

بایدها و نبایدهای رفتار پلیس در حفظ و ارتقای حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران

ایوب اژدري^۱

اسد اسدی کاشکولی^۲

فاطمه بیرجندی^۳

چکیده

حقوق شهروندی یکی از موضوعات مهم و بحث برانگیز در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. به این دلیل که امروزه و در عصر جهانی شدن، مقوله حقوق شهروندان و نحوه برخورد دولت‌ها و نظام‌های سیاسی با شهروندان از درجه اهمیت بالایی برخوردار است. در این میان عناصر دولت از جمله پلیس که نقش مهمی در ایجاد نظم و امنیت و همچنین ایجاد سازوکاری برای تحقق حقوق شهروندی بر عهده دارند، بسیار مورد توجه هستند. پلیس در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز دارای جایگاه مهم و اثرگذاری در عرصه حقوق شهروندی است. به همین دلیل، بررسی بایدها و نبایدهای رفتار پلیس که دو وجه رفتار ایجابی و سلبی پلیس در جهت حفظ و ارتقای حقوق شهروندی را در بر می‌گیرد، حائز اهمیت است. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که بایدها و نبایدهای اساسی رفتار پلیس در قبال موضوع حقوق شهروندی شامل چه مواردی است؟ یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در وجه ایجابی، تلاش برای آموزش آحاد پلیس جهت برخورد صحیح و سازنده با شهروندان، برقراری روابط اجتماعی گسترده با اقشار مختلف اجتماعی، تشویق مردم به رفتار قانونمند و همچنین آموزش قوانین و مقررات شهروندی مورد توجه است. در بُعد سلبی نیز، ممانعت از ایجاد و برقراری تبعیض، جلوگیری از ایجاد نارسایی‌های امنیتی به عنوان شاکله جامعه، دفاع از حقوق آسیب‌دیدگان اجتماعی و نفی روابط شهروندی نابرابر از جمله مواردی است که می‌تواند جایگاه پلیس را در حفظ و ارتقای حقوق شهروندی بهبود بخشد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، پلیس، جمهوری اسلامی ایران

۱. گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دانشجوی کارشناسی حقوق،

ayoub.azhdari0060@gmail.com

۲. گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دانشجوی کارشناسی حقوق

۳. گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دانشجوی دکتری و هیات علمی، (نویسنده مسئول)

birjandifateme@yahoo.com

حقوق شهروندی یکی از بازنمودهای حقوق ابعاد حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. به همین دلیل، در جوامع مختلف و مخصوصاً جوامعی که دخالت‌های مردم در امور مختلف دیده می‌شود، حقوق شهروندی از جایگاه مهمی برخوردار است. به طور کلی، در نظام‌های سیاسی دموکراتیک که وجه بارزی از مشروعیت حکمرانی آنان بر پایه نظرات و رأی مردم استوار است، حقوق شهروندی بیشتر از نظام‌های دیکتاتوری و بسته مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین حقوق شهروندی هرچند در تاریخ گذشته و در برخی جوامع دیده می‌شود، اما می‌توان ادعا کرد که این پدیده، همزاد دموکراسی و همراه به طرح مسائلی مانند دموکراسی، جامعه مدنی، آزادی‌های فردی و اجتماعی و حقوق بشر وارد عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شده است. بنابراین حقوق شهروندی، موضوعی نسبتاً جدید و مدرن است که امروزه نیز مورد توجه اغلب نظام‌های سیاسی قرار گرفته است.

جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک نظام سیاسی مستقل و دارای ایده حقوق شهروندی خاص خود، موضوع مذکور را به عنوان یکی از پایه‌های نظام سیاسی مردمسالار خویش در نظر گرفته است. به همین دلیل، حقوق شهروندی در ابعاد مختلف آن، نقش مهمی در تحقق شعارها و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران دارد. در این میان، پلیس به عنوان نقش آفرینی گسترده خود در زمینه حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند نقش مهمی در تحقق یا عدم تحقق این موضوع داشته باشد. پلیس از آن جهت که برقراری نظم و امنیت، اجرا و آموزش مقررات و قوانین شهروندی را بر عهده دارد و از طرفی دیگر، مجری قانون نیز محسوب می‌شود، نقش مؤثری در بهبود و ارتقای حقوق شهروندی در جامعه ایرانی دارد. پلیس، نیروی نظامی داخلی در ساختار جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و به دلیل طرح مسائل شهروندی در میان مسائل سیاسی و اجتماعی، بیانگر نگرش برابر، عدالت محور و فارغ از تبعیض‌های زبانی، قومی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایرانی است.

هرچند در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نامی از حقوق شهروندی مطرح نشده است، اما رویه سیاستمداران و دولت‌های پس از انقلاب حاکی از آن است که موضوع حقوق شهروندی تحت تأثیر گفتمان‌های مختلف سیاسی، ابعاد مختلفی به خود گرفته است. با این حال، پلیس در نظام جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک نهاد مستقل از دولت‌ها (قوه مجریه مدنظر است)، وظایف و تکالیف خود را در این زمینه بر عهده گرفته است. در همین راستا، پژوهش حاضر درصدد است تا جایگاه پلیس را در حفظ و ارتقای حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار دهد. روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است که در زمره روش‌های کیفی به شمار می‌رود. ساختار مقاله بدین ترتیب است که ابتدا تعریفی از حقوق شهروندی ارائه می‌شود؛ سپس روابط و کنش‌های پلیس و

حقوق شهروندی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ پس از آن، جایگاه پلیس در نظام جمهوری اسلامی ایران و حقوق شهروندی بررسی می‌شود.

۱. حقوق شهروندی

اصطلاح شهروند (Citizenship)، اصطلاحی قدیمی و برگرفته از آموزه‌های غربی در حقوق یونان باستان است که در مورد ساکنین یونان به کار می‌رفته و دارای دو درجه بوده؛ یکی شهروند درجه یک که به ساکنان اصلی یونان، و شهروند درجه دو به بزرگان و دیگر افرادی که یونانی نبوده‌اند اما ساکن یونان بوده‌اند اطلاق می‌شد. شهروندی در قدیم به معنای نوعی برتری و امتیاز اقشاری از مردم بر سایر اقشار بوده است و در همین راستا، تعریف شهروندی از دولت شهرهای یونان باستان ارتباط فرد به هر دولت شهر بوده است. زیرا زندگی در دولت شهر، طبیعی انسانی است؛ بدین معنا که طبیعت هم جوهر و عم غایت اوست. طبیعی انسان است، زیرا در بین همه حیوانات، تنها انسان است که سخن می‌گوید (گای، ۱۳۹۱: ۹۱). با این حال، شهروندان دولت شهرهای یونان خود را با فضیلت‌ترین انسان‌ها نسبت به سایر اقوام می‌دانستند و ملت‌های دیگر را وحشی خطاب می‌کردند ولی با تشکیل اجتماعات مختلف و اعطای شهروندی به آن‌ها از ادعای برتری خود عقب‌نشینی کردند و حقوق دیگران را به رسمیت شناختند.

بعدها و در طی زمان، تحولات سیاسی و اجتماعی تأثیرات مهمی بر مفهوم شهروندی گذاشتند و برای مدت‌های طولانی، در زمان حاکم شدن تفکرات قرون وسطایی، تفکرات مذهبی جانشین نظریه طبیعی درباره حقوق شهروندی شده بود و این مفهوم تا زمان آغاز عصر مدرن و تحولات رنسانس به دست فراموشی سپرده شد. انقلاب فرانسه که همراه خود مضامین و مفاهیم سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای پدید آورد، نقش مهمی در جهانی‌شدن حقوق شهروندی ایفا کرد. بدین ترتیب باید گفت یکی از مهم‌ترین آثار انقلاب کبیر فرانسه جنبش‌گرایی به سمت قانون اساسی است که یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های کنونی حقوق شهروندی است (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۲۹). با گسترش اندیشه‌های حقوقی و سیاسی به سراسر جوامع غربی، حقوق شهروندی به عنوان یکی از محورهای اساسی تحولات سیاسی مورد توجه قرار گرفت و اغلب انقلاب و اصلاحات دموکراتیک در غرب، آمیخته‌ای از حقوق شهروندی پیشین در یونان باستان و حقوق شهروندی مدرن را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی دنبال می‌کردند.

امروزه و با توجه به تغییرات گسترده سیاسی و اجتماعی، حقوق شهروندی یکی از مبانی فکری دموکراسی و مفاهیم اساسی زندگی دموکراتیک به شمار می‌رود (بشیریه، ۱۳۸۶: ۲۲۶). بنابراین اغلب جوامع تلاش می‌کنند تا خود را مدافع حقوق شهروندی نشان دهند و حتی از نوع خاصی از

حقوق شهروندی دفاع به عمل بیاورند. حقوق شهروندی از آنجا که در نزد سازمان‌های بین‌المللی بسیار مورد توجه است، باعث اقبال عمومی جوامع به سمت آن شده است. در هر صورت، حقوق شهروندی بر دو اصل حق و تکلیف استوار است و یکی از مبانی اصلی حقوق متقابل دولت و مردم در اسلام، اصل حق و تکلیف است. این رابطه یک‌طرفه نیست و هر دو تکالیف و حقوقی دارند و مبانی حقوق شهروندی را احکام الهی تشکیل می‌دهد. لذا، شهروندان به دلیل عضویت در یک واحد سیاسی به نام دولت، دارای حقوق و تکالیفی هستند. از این‌رو، شهروندی، وابستگی شهروند به یک جامعه است و حقوق شهروندی، حقوق و تکالیف شهروند نسبت به جامعه‌ای است که به آن تعلق دارد. در هر صورت، شهروند، در نظریه سیاسی نوین، تبعه‌ای سیاسی شناخته می‌شود که دارای حقوق مدنی (برابری در قانون، آزادی شخصی، آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی ایمان، حق مالکیت و حق بستن قرارداد با دیگران)، حقوق سیاسی (حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق مشارکت در حکومت)، حتی حقوق اجتماعی و اقتصادی است که از دسترسی برابر به تندرستی گرفته تا به مقررات حقوق کار را دربر می‌گیرد. این حقوق شهروند به مثابه ترجمان یا تبیین حقوق متعلق به هر انسانی، دقیقاً به دلیل انسان بودن اوست (گای، ۱۳۹۱: ۱۵).

بدین ترتیب می‌توان گفت حقوق شهروندی دارای ابعاد متفاوتی است که مهم‌ترین آنان، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و اقتصادی و حقوق مدنی است. حقوق سیاسی و مدنی به رابطه سیاسی شهروندان و دولت ارتباط پیدا می‌کند و از دیرباز همراه حقوق شهروندی مطرح شده بود و حقوق اجتماعی-اقتصادی، جنبه‌های اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهد و در طی دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفت. بنابراین با گذر زمان و ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی، مفهوم شهروندی رو به تکامل نهاد و امروزه نیز مفهوم متمایزی نسبت به دوران‌های قبل درباره شهروندی دیده می‌شود. چنانچه، حقوق اجتماعی و اقتصادی که بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰ میلادی به یکی از اجزای اساسی حقوق شهروندی تبدیل شد و نیز حقوقی است که مقنن برای اتباع خود در روابط با موسسات عمومی مقرر داشته است، حقوق اجتماعی بنا به تعریف فوق اعم از حقوق سیاسی است (جعفری لنگرودی، ۲۳۹، ۱۳۷۲). بدین ترتیب حقوق شهروندی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی حکمرانی در دوران معاصر دارای ابعاد مختلفی است که ضرورت توجه به آن، هم از سوی نهادهای بین‌المللی و هم از سوی قوانین اساسی دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. بهره‌مندی شهروندان از حقوق شهروندی تابعی از تحولات سیاسی مختلف است که بیش از همه می‌تواند تحت تأثیر نهادهای و سازمان‌های داخلی کشورها قرار گیرد. یکی از نهادهای مهم که ارتباط نزدیکی با چگونگی اجرای حقوق شهروندی در جوامع دارد، پلیس و نیروهای نظامی هستند که در کشور ما نیز نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند.

۲. پلیس و حقوق شهروندی در عرصه بین الملل

حقوق شهروندی در جوامع مختلف در ارتباط با سایر نهادها شکل می‌گیرد و حتی ممکن است نهادها و سازمان‌های مرتبط با مقوله حقوق شهروندی، یا موانعی برای اجرای آن باشند و یا این که فرصت‌هایی برای بهبود و ارتقای آن فراهم سازند. یکی از این نهادها، پلیس است که در کشورهای مختلف با عنوان نیروی نظامی و حافظ نظم و امنیت شناخته می‌شود. به طوری که به مرور زمان و نهادینه شدن اندیشه دولت ژاندارم، تعهد ایجابی دولت‌ها به انجام وظایف پلیسی مدنظر قرار گرفت و از این‌رو، تأمین امنیت به عنوان ملاک بررسی اعمال حکومت‌ها میزان شایستگی‌ها رضایت‌مندی از هر دولتی را مشخص می‌کرد. اما رفته رفته پس از تبعات جنگ جهانی اول، اندیشه سلبی تأمین امنیت به اندیشه‌های ایجابی تبدیل شد و بر این اساس، تأمین امنیت نه تنها در حوزه امنیت سخت معنا می‌یافت، بلکه جنبه‌های مختلف تأمین امنیت در اجتماع از جمله امنیت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی رخ‌نمایی کرد و معنای موسعی از آن ملاک نظر بر اعمال دولت‌ها از جنبه امنیت مداری قرار گرفت؛ تا آنجا که پس از طرح نظریه زمامداری از دهه ۱۹۸۰ میلادی و با اعمال نفوذ برخی نهادهای قدرتمند بین‌المللی، توجه اولیه و اساسی دولت‌ها به ایفای نقش امنیتی محدود شد (رضایی و بالایی، ۱۳۹۵: ۱۱۶). همین نقش در جامعه ایرانی نیز برای نهاد پلیس که در قالب نیروی انتظامی شناخته می‌شود، قابل‌تعمیم است. زیرا نهاد مزبور، نقش امنیتی منحصر به فردی دارد و اغلب در حوزه‌های داخلی، به عنوان یک نهاد امنیتی و تأمین‌کننده نظم و امنیت و به طور کلی به عنوان ضابط دستگاه‌های قضایی کشور شناخته می‌شود.

سازمان ملل متحد در نظامنامه خود در سال ۱۹۴۹ میلادی وظایفی را برای نیروهای نظامی در نظر گرفت که بیش از هر چیز بر توجه این نهاد به حقوق شهروندی و رعایت حقوق مردمان آن دیار تأکید می‌کند. مطابق مصوبه سازمان ملل؛ در همه اوقات، مأموران نیروی انتظامی وظایف محوله خود را با خدمت به جامعه و حفاظت از کلیه اشخاص علیه اعمال غیرقانونی و منطبق با میزان زیادی از مسؤولیت که لازمه حرفه‌شان است، ایفا می‌نمایند (نظامنامه رفتار مأموران نیروی انتظامی مصوبه سازمان ملل، ۱۹۴۹: ۱). بنابراین وظیفه نیروی نظامی نظیر پلیس، حفاظت از اشخاص و حقوق آنان در برابر تعدی‌هایی است که ممکن از سوی شهروندان، دولت و حتی نیروی دیگری بر آنان اعمال شود. همچنین در ماده ۲ این مصوبه چنین آمده است: «مأموران نیروی انتظامی در اجرای وظایف شان، شأن و کرامت انسانی را محترم شمرده و از آن حراست نموده، و حقوق بشر کلیه اشخاص را حفظ و ارتقاء خواهد نمود» (نظامنامه رفتار مأموران نیروی انتظامی مصوبه سازمان ملل، ۱۹۴۹: ۱). اصول مزبور از نهاد پلیس می‌خواهد که حافظ کرامت انسان‌ها باشند و نه تنها از تعرض به حقوق

شهروندان پرهیز نمایند، بلکه حامی و مدافع شهروندان در مواقع ضروری از جمله ظلم و تبعیض در حق آنان باشند.

۳. پلیس و حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران

پلیس به عنوان یک نهاد داخلی در جمهوری اسلامی ایران غالباً با عنوان نیروی انتظامی شناخته می شود که اهم وظایف آن در داخل کشور و مسئولیت برقراری نظم و امنیت داخلی است. به همین دلیل، شهروندان به عنوان اعضای جامعه ایران، ارتباط همه جانبه ای با این نهاد دارند و اغلب فعالیت های اجتماعی شهروندان به نوعی با پلیس در ارتباط است. بنابراین باید نقش پلیس و حقوق شهروندی را در جامعه ایران به طور متعادل و متقابل نگریست و از وظایف و نقش پلیس در حمایت از حقوق شهروندی سخن گفت. به طور مشخص، اصل ۱۵۶ قانون اساسی که درباره وظایف قوه قضاییه است، به وضوح نقش پلیس و نیروی انتظامی را به عنوان ضابط دستگاه قضایی توضیح می دهد. در این اصل چنین بیان می شود:

قوه قضاییه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم لازم در آن قسمت از امور حسبه، که قانون معین می کند؛

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع؛

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین؛

۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام؛

۵- اقدامات مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین (اصل ۱۵۶ قانون اساسی).

بدین ترتیب، پلیس به عنوان ضابط دستگاه های قضایی وظایف گسترده و معینی در زمینه فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مدنی شهروندان بر عهده دارد و در این راستا، چگونگی رابطه این نهاد با شهروندان تا حدود زیادی می تواند بر کم و کیف حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران بسیار مؤثر باشد. بدین ترتیب، انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضاییه بر عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل:

۱- مبارزه با مواد مخدر

۲- مبارزه با قاچاق کالا

۳- مبارزه با منکرات فساد

۴- پیشگیری از وقوع جرم

۵- کشف جرائم

۶- بازرسی و تحقیق

۷- حفظ آثار و دلایل جرم

۸- دستگیری متهمان و مجرمان و جلوگیری از فرار و پنهان شدن آن ها

۹- اجرا و ابلاغ احکام قضایی

مجموعه قوانین فوق، تأکید بر پیشگیری از جرایم در جامعه دارد که کلیه دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط با نظم و امنیت اعم از پلیسی و غیرپلیسی در جامعه موظف به تلاش و به کارگیری توان خود جهت پیشگیری از جرم شده‌اند که در زمینه تعامل مناسب پلیس با این دستگاه‌ها مربوط می‌شود (کرم زاده و عرفانی، ۱۳۹۶: ۹۴). در وجه ایجابی نیز، پلیس با حمایت از شهروندان، آموزش آنان در زمینه یادگیری و اجرای قانون و همچنین ایجاد زیرساخت‌های لازم برای آموزش قوانین شهروندی، نقش مؤثری در زمینه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی بر عهده دارد.

از طرفی دیگر، حقوق شهروندی به عنوان یک موضوع نسبتاً جدید در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی ایران، دارای بایدها و نبایدهایی است که به همین دلیل وظایف خاصی را برای پلیس به عنوان نیرویی نظامی ایجاب می‌کند. بدین معنا که رفتار پلیس با شهروندان، دارای بایدها و نبایدهایی که اعمال ایجابی و سلبی پلیس را نشان می‌دهد. در زمینه حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۸۳، قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام بخشنامه حقوق شهروندی در قوه قضاییه دستور کار واحدها گردید. در چارچوب قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» بسیار تلاش شده است تا با توجه به نارسایی‌ها، پیچیدگی‌هایی که در نظام قضایی کشور وجود دارد از حقوق شهروندان در برابر نهادهای قضایی و ضابطان دادگستری پاسداری شود. تدوین این قانون اقدامی است در راستای از میان بردن تعارضات احتمالی به حقوق شهروندان که در آن بر مواردی تأکید شده که با موازین حقوق بشر و اصول قانون اساسی ایران هماهنگی دارد (فیروزیان حاجی، ۱۳۹۷: ۱۷۷). همچنین پس

از این مصوبه، مصوبه و اعلامیه دیگری تحت عنوان منشور حقوق شهروندی در سال ۱۳۹۵ به تصویب رسید که در ۱۲۰ ماده به تشریح ابعاد حقوق شهروندی، ضوابط و شرایط آن، نحوه رفتار و تعامل دستگاهها و سازمانهای مختلف با شهروندان از جمله پلیس را در بر می‌گیرد. قانون مزبور با عنوان «منشور حقوق شهروندی» شناخته می‌شود که اصول آن برگرفته از قانون اساسی، طرح ۸ ماده ای امام خمینی (ره) درباره صیانت از حقوق شهروندی و تحولات جهانی ناشی از ارتباطات و اطلاعات است.

آنچه در زمینه رعایت حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران بیان می‌شود، به وضوح وظایفی را برای دستگاهها و نهادهای مختلف از جمله پلیس تعیین می‌کند که براساس آن، رفتارها و اعمال خود را در چارچوب حقوق شهروندی تنظیم نمایند. به عنوان مثال در ماده ۶۰ منشور حقوق شهروندی نیز چنین بیان شده است:

«شهروندان (اعم از متهم، محکوم و قربانی جرم) از حق امنیت و حفظ مشخصات هویتی شان در برابر مراجع قضایی، انتظامی و اداری برخوردارند و نباید کمترین خدشه‌ای به شأن، حرمت و کرامت آن‌ها وارد شود؛ هرگونه رفتار غیرقانونی مانند شکنجه جسمی یا روانی، اجبار به ادای شهادت یا ارایه اطلاعات، رفتار توأم با تحقیر کلامی یا عملی، خشونت گفتاری یا فیزیکی و توهین به متهم یا محکوم، نقض حقوق شهروندی است و علاوه بر این که موجب پیگرد قانونی است، نتایج حاصل از این رفتارها نیز قابل استناد علیه افراد نیست» (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵: ۸).

۴. بایدها و نبایدهای رفتار پلیس و حقوق شهروندی

رفتار پلیس در حوزه حقوق شهروندی شامل طیفی از بایدها و نبایدها است که روی هم رفته حقوق شهروندی را تشکیل می‌دهند. بنابراین برای بررسی جایگاه پلیس در حفظ و ارتقای حقوق شهروندی می‌بایست به این بایدها و نبایدها توجه نشان داد. از طرفی دیگر، وظایف پلیس در جامعه، حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و به دلیل گسترش مقوله شهروندی به حوزه‌های گوناگون، می‌بایست به ابعاد مختلف آن توجه نمود.

۴-۱. بایدهای رفتار پلیس در حوزه حقوق شهروندی

پلیس در جمهوری اسلامی ایران، سازمانی برای ایجاد امنیت و دستیابی شهروندان به حقوق خاص آنان است. در این زمینه می‌توان مسأله انتخابات و حضور مردم در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی را مثال زد که بدیهی‌ترین حقوق شهروندی محسوب می‌شود و پلیس نیز در طی سال‌های گوناگون با فراهم کردن زمینه‌ها برای حضور مردم در صحنه‌های انتخابات از حقوق شهروندان دفاع

به عمل می‌آورد. انتخابات و حضور مردم در صحنه‌های سیاسی، بارزترین نوع حقوق شهروندی است که پلیس به عنوان یکی از دستگاه‌های درگیر در این موضوع، نقش مهمی را ایفا کرده است. همچنین، انتخابات در کنار دیگر سازوکارهای مشارکت مردم به صورت انفرادی، جمعی، یا گروهی یا صنفی، همچنان مهم‌ترین، بارزترین و قابل اندازه‌گیری‌ترین نوع مشارکت افراد در عرصه سیاسی است. انتخابات از یک سو، پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی و اخلاق اجتماعی شهروندی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است. مطالعه انتخابات و مشارکت انتخاباتی، چگونگی ارتباط متقابل جامعه و دولت را به نمایش می‌گذارد و به همین دلیل، از مهم‌ترین و جذاب‌ترین مباحث جامعه‌شناسی سیاسی به شمار می‌رود (عیوضی، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

حمایت پلیس از شهروندان و فراهم کردن زمینه‌ها برای حضور آنان در عرصه‌های انتخابات در مراحل مختلف مشارکت سیاسی انجام می‌شود و از این طریق یکی از مهم‌ترین ابعاد حقوق شهروندی یعنی حفظ کرامت و ارزش شهروندان تحقق می‌یابد. بنابراین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ضمن اعلام کرامت و ارزش والای انسانی به‌عنوان یکی از مبانی و پایه‌های نظام جمهوری اسلامی (اصل دوم)، دولت را از جمله موظف کرده است که محیط مناسبی برای رشد فضایل اخلاقی ایجاد کند؛ سطح آگاهی‌های عمومی را بالا برد؛ زمینه هرگونه استبداد و خودکامگی را محو کند و با رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه، بستر لازم برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را فراهم کند (اصل سوم). با توجه به نقش دین در اداره امور جامعه و مشروعیت حکومت در نظام مردم‌سالار دینی، حقوق شهروندی بر پایه کرامت اکتسابی ارتباط وثیقی با دین‌مداری پیدا می‌کند (حبیب‌زاده و فرج‌پور، ۱۳۹۵: ۱۲۶). ضمن این که پلیس به‌عنوان یکی از دستگاه‌های زیرمجموعه نظام جمهوری اسلامی ایران، با تلاش مستمر و ایجاد سازوکارهای لازم برای امنیت انتخابات و مشارکت شهروندان در حوزه‌های مختلف سیاسی، نقش پررنگی در به ثمر نشستن حقوق شهروندی ایفا می‌کند. ضمن این که اصل عدم دخالت پلیس در انتخابات، ضامنی برای امنیت و صیانت از رأی مردم در انتخابات متعدد است.

علاوه بر حوزه‌های سیاسی و اجتماعی، پلیس در چارچوب حفظ و ارتقاء حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران، نقش مهمی در توسعه اقتصادی زندگی شهروندان بر عهده دارد. بدین معنا که تأمین امنیت به عنوان مهم‌ترین وظیفه پلیس به نوبه خود نوعی حمایت از سرمایه‌گذاری، اشتغال، ثبات شغلی و توسعه پایدار است که در نهایت منافع آن عاید شهروندان می‌گردد. بدین ترتیب در دفاع از وظیفه پلیس در حوزه‌های اقتصادی شهروندی باید گفت امنیت اقتصادی و رفاه عمومی، جزء حقوق شهروندان محسوب شده و از معیارهای لازم برای توسعه‌یافتگی کشورها به شمار می‌رود (عبدالملکی، ۱۳۸۸: ۶). از این رو، شاید بتوان با تنقیح مناط تمام احکامی را که در فقه

اسلامی برای حفظ جان مسلمانان بیان شده است در رابطه با حفظ امنیت اقتصادی آنان نیز به کار بست؛ بنابراین حاکم اسلامی در مقام اداره اقتصاد جامعه اسلامی برای حفظ امنیت اقتصادی آن می تواند با تهدیدکنندگان این امنیت چه در داخل و چه در خارج از مرزهای جامعه اسلامی به مقابله بپردازد. چنین به نظر می رسد که اتکا به نظریات ایجابی امنیت در حوزه تأمین امنیت اقتصادی می تواند زمینه ساز الگوی راهبردی مناسبی برای دفع تهدید اقتصادی باشد (رضایی و بالایی، ۱۳۹۵: ۱۱۴). این وظیفه دشوار در ساختار سیاسی ایران بر عهده پلیس گذاشته شده است. بنابراین پلیس می تواند با بهره گیری از سازوکارهای خاص خود، زمینه های لازم برای ایجاد امنیت اقتصادی و در نهایت حقوق شهروندان را فراهم آورد. به عبارتی دیگر، ایجاد امنیت در حوزه های گوناگون به عنوان زیربنای حقوق شهروندی شناخته می شود و تا زمانی که امنیت در حوزه های مختلف آن برای شهروندان ایجاد نشود، نمی توان سایر مؤلفه های حقوق شهروندی را بدست آورد.

پلیس در زمینه احقاق حقوق شهروندان به ابزارهای متعددی متوسل می شود که با توجه به اهمیت و اثربخشی آموزش شهروندان و تأثیرات آن بر ایجاد آگاهی، می توان بر مسأله آموزش حقوق شهروندی از سوی پلیس تأکید نمود. بدین ترتیب، یکی از مؤثرترین راهکارهای رفع چالش نیروی پلیس در زمینه حقوق شهروندی را باید در این آموزش جست و جو کرد. اگر نیروی پلیس به اقتضای وظیفه ای که بر عهده دارد، افراد زیرمجموعه خود، به ویژه پرسنلی را که ارتباط مستقیم با شهروندان دارد و احتمال نادیده گرفتن حقوق شهروندی از جانب ایشان می رود، با حقوق شهروندان آگاه کرده و لزوم احترام به این حقوق را به ایشان یادآور شود، کمتر شاهد تضییع حقوق شهروندی از جانب زیرمجموعه خود خواهد بود (علیدوستی، ۱۳۸۸: ۵۳).

قسمت عمده چالش های پلیس با شهروندان، در ایفای نقش پلیس به عنوان ضابط قضایی بروز می کند. حقوق شهروندی، که به عنوان متهم در اختیار نیروی انتظامی یا پلیس قرار می گیرد، محل چالش است. از یک سو، متهم و حتی مجرم، دارای حقوق ویژه ای است که برآمده از حقوق شهروندی است. از سوی دیگر، متهم ممکن است مجرم نباشد و نمی توان به صرف اتهام شخص، حقوق شهروندی وی را نادیده گرفت. برای شناسایی و صیانت از حقوق شهروندی متهم که باید از سوی پلیس مورد ملاحظه قرار گیرد، می بایست به قوانین لازم الاجرای که در این خصوص تصویب شده است، مراجعه کرد (علیدوستی، ۱۳۸۸: ۶۰).

در حوزه مسائل اجتماعی و قضایی نیز، پلیس در ساختار جمهوری اسلامی ایران نقش آفرینی می کند و از این جهت نیز می تواند، ضامنی برای تحقق حقوق شهروندان تلقی شود. همین بخش از وظایف پلیس مورد توجه گسترده است. بدین معنا که حوزه های قضایی حوزه های مهمی هستند که می توانند مانع و یا زمینه ساز آزادی های مدنی و اجتماعی شهروندان تلقی شوند و از این رو

اهمال در انجام این وظیفه می تواند پلیس را ناقص حقوق شهروندان قلمداد نماید. همچنین در حوزه مسائل قضایی، متهم با جامعه و مقام قضایی نیز در ارتباط است و رفتار هر کدام از این گروه‌ها بر رفتار و واکنش دیگر عناصر تأثیر مثبت یا منفی، مستقیم یا غیرمستقیم دارد. ضابطین [پلیس] از طریق اطلاع‌رسانی و آموزش همگانی می‌توانند افراد را از درون و باطن نسبت به پایبندی به قوانین و مقررات، ترغیب، تفکر و رفتارهای قانون مدارانه را نهادینه نمایند. به گونه‌ای که هریک از آحاد جامعه ضمن التزام عملی به رعایت قوانین و هنجارهای اجتماعی، دیگران را نیز از ارتکاب اعمال خلاف قانون و هنجارشکنانه در چارچوب امر به معروف و نهی از منکر و رعایت حقوق شهروندی منصرف و با این نوع مشارکت، پلیس خود و فراهم کننده زمینه امنیت و آرامش اجتماعی پایدار باشند (نظیفی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸۵). بنابراین نقش پلیس به عنوان ضابط دستگاه قضایی در حوزه حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بر تحقق دستاوردهای حقوق شهروندی مؤثر واقع شود. این برنامه نیز مورد تأکید نظامنامه نیروی انتظامی مصوب سازمان ملل متحد نیز می‌باشد. جایی که بیان می‌کند:

«خدمت به جامعه به این نیت است که ارائه خدمات به ویژه شامل آن دسته از اعضای جامعه گردد که به دلیل شخصی، اقتصادی، اجتماعی و یا سایر ضروریات نیازمند کمک فوری هستند» (نظامنامه رفتار مأموران نیروی انتظامی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۹۴۹: ۱).

همچنین در وجه ایجابی نیز پلیس و رسانه‌ها در عصر کنونی می‌توانند به گونه‌ای عمل کنند که زمینه‌ساز تعامل و ایجاد امنیت میان شهروندان گردند. بنابراین حوزه‌های دیگری نظیر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی وجود دارند که می‌توانند با آموزش‌های پلیس زمینه ساز تحقق حقوق شهروندان گردند. ضمن این که در این حوزه، حفظ و صیانت از مسائل و زندگی شخصی شهروندان بسیار حائز اهمیت است. امری که امروزه توسط پلیس ایران (پلیس فتا) دنبال می‌شود. بنابراین، در مورد تأثیرات رسانه‌ها بر احساس امنیت به نظر می‌رسد میزان تأثیر نمایش دادن خشونت و همچنین ارتباطاتی که قادرند با توجیه خشونت، ارزش‌های مخاطبان را تغییر داده و یا تقویت نمایند، حائز بیشترین اهمیت می‌باشد. در درون هر یک از این طبقه‌بندی‌های وسیع، انواع بسیار متفاوتی از خشونت و شیوه‌های متفاوت و بی شماری وجود دارد که خشونت می‌تواند بر طبق آن‌ها ارائه و تصویر گردد. اموری از قبیل شیوه به تصویر درآمدن حوادث خشونت‌بار، قالب ارزشی، وجود یا فقدان جنبه‌های زیبایی و میزان واقع‌گرایی و ... می‌توانند تفاوت‌های بسیار زیادی را در واکنش‌های مخاطبان در برابر به تصویر کشیدن اقدامات خشونت‌بار ایجاد نمایند (کرم‌زاده و عرفانی، ۱۳۹۶: ۹۲).

۲-۴. نبایدهای پلیس در حوزه حقوق شهروندی

اعمال سلبی پلیس در حوزه حقوق شهروندی نیز بسیار متنوع و گسترده است. بنابراین در کنار رفتارهای ایجابی پلیس در زمینه حقوق شهروندی می توان از «بایدها»ی پلیس نیز به عنوان موضوعی مهم در زمینه حقوق شهروندی یاد کرد. نبایدها شامل آن دسته از اقدامات سلبی پلیس است که انجام ندادن آنان و یا عدم دخالت و ورود پلیس به این حوزه‌ها به شکل مطلوب‌تری می‌تواند باعث تحقق حقوق شهروندی گردد. این موضوع در نظامنامه مأموران نیروی انتظامی مصوب سازمان ملل نیز مورد تأکید قرار گرفته است و حفظ کرامت انسانی به‌عنوان اصلی اساسی بدین‌گونه بیان شده است:

«مأموران نیروی انتظامی در اجرای وظایف‌شان، شأن و کرامت انسانی را محترم شمرده و از آن حراست نموده، و حقوق بشر کلیه اشخاص را حفظ و ارتقاء خواهد نمود» (نظامنامه رفتار مأموران نیروی انتظامی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۹۴۹: ۱).

منشور حقوق شهروندی ضمن بهره‌گیری از اصول قانون اساسی، نقش پلیس و سایر ضابطین دستگاه‌های قضایی را به‌عنوان ضامن حقوق شهروندی بیان می‌کند و به‌صورت واضح اعلام می‌کند که دخالت در حوزه حریم خصوصی شهروندان، منافی اصل حقوق شهروندی و از بین برنده آن است. چنان‌چه بیان می‌کند: «هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید در چارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود، شهروندان حق دارند، نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جستجو، دریافت و منتشر کنند. دولت باید آزادی بیان را به‌طور خاص در عرصه‌های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی از جمله روزنامه‌ها، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی و مانند اینها طبق قوانین تضمین کند» (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵: ۴).

در زمینه امنیت در حوزه‌های مختلف نیز منشور حقوق شهروندی در ماده ۱۳ خود چنین بیان می‌کند: «هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی، حیثیتی، حقوقی، قضایی، شغلی، اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد. هیچ مقامی نباید به نام تأمین امنیت، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان و حیثیت و کرامت آنان را مورد تعرض و تهدید قرار دهد. اقدامات غیرقانونی به نام تأمین امنیت عمومی به ویژه تعرض در حریم خصوصی مردم ممنوع است» (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵: ۳-۲).

این اصل در نظامنامه مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز مورد تأکید قرار گرفته است و درباره حریم خصوصی شهروندان با قاطعیت بیان شده است که دخالت‌های خودسرانه نیروهای

نظامی به هر بهانه ای نمی تواند باعث تحقق حقوق شهروندی گردد. چنان چه به صراحت بیان شده است:

«هیچ مأمور نیروی انتظامی عمل شکنجه یا سایر رفتار ظالمانه، غیرانسانی یا موهن یا تنبیه را تحمیل، تحریک و یا تحمل نخواهد کرد. مأمور نیروی انتظامی به دستورات مافوق یا شرایط خاص از قبیل وضعیت جنگ یا تهدید به امنیت ملی، بی ثباتی سیاسی داخلی، هر وضعیت اضطراری عام به منزله توجیه یا دیگر رفتار ظالمانه غیرانسانی یا موهن دیگر یا تنبیه استناد نخواهد کرد» (نظامنامه رفتار مأموران نیروی انتظامی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۹۴۹: ۱).

رفتار پلیس و سایر دستگاه های مرتبط با امنیت و حقوق شهروندان به خوبی در طرح هشت ماده ای امام خمینی (ره) بیان شده است. به عبارتی می توان گفت طرح هشت ماده ای امام خمینی (ره) درباره نحوه روابط دستگاه های مسؤول با شهروندان می تواند به عنوان سند حقوق شهروندی قابل طرح باشد. نظرات و دیدگاه های امام خمینی (ره) در این زمینه می تواند به عنوان نقشه راهی برای تحقق حقوق شهروندی در نظر گرفته شود. در این زمینه امام خمینی (ره)، همه دستگاه های مسئول را به رعایت اصل عدالت و تبعیت از قانون دعوت می کند و از انجام اعمال فرافقانونی بر حذر می دارد. جایی که بیان می کنند:

«آقایان قضات واجد شرایط اسلامی، چه در دادگستری و چه در دادگاه های انقلاب باید با استقلال و قدرت بدون ملاحظه از مقامی احکام اسلام را صادر کنند، و در سراسر کشور بدون مسامحه و تعویق به کار پر اهمیت خود ادامه دهند. و مأمورین ابلاغ و اجرا و دیگر مربوطین به این امر باید از احکام آنان تبعیت نمایند تا ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضایی نمایند، و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است. و عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضاییه و متعلقات آن نیست، که در سایر ارگان های نظام جمهوری اسلامی از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز به طور جدی مطرح است و آحادی حق ندارد با مردم رفتار غیر اسلامی داشته باشد» (امام خمینی، فرمان هشت ماده ای، ۱۳۶۸: ماده سوم).

علاوه بر این، دیدگاه های امام خمینی (ره) در طرح هشت ماده ای، باعث ممانعت از رفتارهای هنجارشکنانه از سوی دستگاه های مسئول می شود و از این رو، وارد شدن به حریم خصوصی شهروندان با هر عذر و بهانه ای قابل توجیه نیست. چنان چه ایشان می فرمایند:

«هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن ها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی

اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام این ها جرم [و] گناه است و بعضی از آن ها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد» (امام خمینی، فرمان هشت ماده ای، ۱۳۶۸: ماده ششم).

بیانات فوق به خوبی نشان می دهد که پلیس می بایست برای رعایت حقوق شهروندان از انجام اعمالی که مداخله در حریم خصوصی شهروندان محسوب می شود، پرهیز کند. این موضوع به خوبی می تواند نقشه راهی برای نبایدهای پلیس در حوزه حقوق شهروندی تلقی شود و زمینه های برای ارتقای حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران را فراهم سازد. بنابراین، بازرسی ها و معاینات محلی، برای دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جاسوسی براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احترام انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی با جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه ها و نوشته ها و عکس های فامیلی و فیلم های خانوادگی و ضبط بی مورد آنها خودداری گردد (علیدوستی، ۱۳۸۸: ۶۳).

فرمایش امام خمینی (ره) در زمینه حراست از حریم خصوصی شهروندان بیانگر آن است که پلیس به عنوان یکی از ارگان های حفظ و حمایت از حقوق شهروندی می تواند نقش سازنده ای در ایجاد اعتماد اجتماعی و در نهایت ساختن حقوق شهروندی داشته باشد. بنابراین اصل امنیت درونی، نیازمند تعامل دستگاه های مسئول و شهروندان است که بر پایه آن، زمینه های لازم برای رشد و شکوفایی فردی و جمعی فراهم می شود. به تعبیر امام خمینی (ره):

«باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند، و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند، و قوه قضاییه را در دادخواهی ها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند، و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند. و این امور بر عهده همگان است، و کار بستن آن موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت می باشد، و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است» (امام خمینی، فرمان هشت ماده ای، ۱۳۶۸: ماده هشتم).

اصول و دستور العمل های فوق در کنار اصول قانون اساسی به خوبی بیانگر این مطلب است که تحقق حقوق شهروندی نیازمند رفتارهای مدیرانه پلیس است که به نوبه خود می‌تواند قانون را به جای تصمیم‌گیری‌های شخصی بنشانند و از مداخله در امور خصوصی شهروندان جلوگیری نماید. این موضوع حتی می‌تواند در مسائل ریزی نظیر بازداشت و نحوه برخورد با متهمان و محکومان نیز خود را نشان دهد. به عنوان مثال، کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌بایست مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلیق شخصی و سوءاستفاده از قدرت یا اعمال هرگونه خشونت یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود (علیدوستی، ۱۳۸۸: ۶۳). ضمن این که در چنین شرایطی و قبل از این که برخوردی با متهمان و محکومان انجام شود، اصل بر «برائت» است و این رویکرد به خوبی می‌تواند حامی حقوق شهروندان در زمینه مسائل قضایی و اجتماعی باشد. اصل برائت به خوبی امکانی برای شهروندان فراهم می‌آورد که در چارچوب آن بتوانند از حقوق و مطالبات خود دفاع به عمل آورند. به نظر می‌رسد پلیس به عنوان ضابط دستگاه قضایی می‌بایست چنین اصلی را به خوبی مدنظر قرار دهد. با توجه به اینکه دولت از تمام امکانات و ابزارهای قدرت و زور برخوردار است و عدم کنترل آن ممکن است موجب بروز مفسده و سوءاستفاده از قدرت گردد، لذا به منظور ایجاد توازن بین موقعیت افراد جامعه و شهروندان با ابزار و امکانات اعمال قدرت حاکمه، وجود اصول حقوقی چون اصل برائت در دفاع از افراد و شهروندان جامعه در مقابل حاکمیت و قدرت عمومی، ضروری به نظر می‌رسد (فیروزیان حاجی، ۱۳۹۷: ۱۷۵).

در هر صورت باید گفت تحقق حقوق شهروندی توسط پلیس نیازمند رعایت اصول و شرایطی است که هم در حوزه‌های ایجابی و هم در حوزه‌های سلبی نیازمند تعامل پلیس و شهروندان است و اصل عدم مداخله و آموزش شهروندان می‌تواند پایبندی دو طرف را به قوانین مطروحه در این زمینه نشان دهد. بنابراین با توجه به وضعیت فعلی نیرو و امکانات ناجا، نحوه تابعیت و پاسخگویی ضابطین به دستورات و خواسته‌های مقام قضایی و سلسله مراتب فرماندهی، افزایش تعامل بین نیروی انتظامی و قوه قضاییه، تدوین شیوه نامه جامعی به منظور پیشگیری از تداخل ایفای نقش ضابطی با نقش سازمانی و حفظ شأن و امنیت شغلی ضابطین و کنترل و نظارت کیفی و هوشمند بر عملکرد ضابطین با توجه به حجم و تنوع وظایف و مأموریت‌های محوله به آنان، آسیب‌ها و تهدیدات شغلی و توطئه‌های دشمنان جمهوری اسلامی با رویکرد رأفت و رحمت، آموزش و پیشگیری به صورت قانونمند و به دور از حب و بغض و اعمال سلیقه، امری بدیهی و ضروری می‌باشد (نظیفی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۹۰). بنابراین اصول مندرج در قانون اساسی، طرح هشت ماده ای امام (ره)، مصوبه مجلس در سال ۱۳۸۳ در حفظ و صیانت از حقوق شهروندی، منشور حقوق شهروندی در سال ۱۳۹۵ همگی می‌توانند ضامنی برای تحقق حقوق شهروندی تلقی شوند که بیش از هر چیز وظایف دشوار و

حساسی را برای پلیس به عنوان ضابط دستگاہ قضایی و برقرار کننده نظم و امنیت در جامعه معین می‌کند.

نتیجه گیری

حقوق شهروندی از مهم‌ترین مسائل در عصر جدید محسوب می‌شود که حتی امروزه به عنوان یکی از معیارهای اساسی در میزان دموکراتیک بودن و غیردموکراتیک بودن نظام‌های سیاسی به کار گرفته می‌شود. به عبارتی دیگر، حقوق شهروندی میزانی برای پابندی نظام‌های سیاسی به قوانین و مقررات حقوق شهروندی در حوزه‌های مختلف محسوب می‌شود. در همین زمینه، حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران نیز بسیار مورد توجه است. به این دلیل که نظام جمهوری اسلامی با معرفی الگوی خاصی از الگوی مردمسالاری دینی و ضرورت پرداختن به نیازهای مادی و معنوی شهروندان در جامعه اسلامی، توجه ویژه‌ای به این مسأله نموده است.

بررسی مقاله حاضر نشان می‌دهد که حقوق شهروندی به طور خاص در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیامده است. اما این موضوع به معنای نادیده گرفتن این مسأله مهم نیست. چنانچه برخی اصول قانون اساسی به صراحت از آزادی‌های شخصی، اجتماعی و حفظ حریم خصوصی مردم و همچنین ضوابط معین برای رابطه دستگاہ‌های مسؤؤل و آحاد ملت سخن به میان آورده‌اند که به نوبه خود اصول معینی برای حقوق شهروندی نیز محسوب می‌شوند. بنابراین برای رعایت اصول حقوق شهروندی توسط پلیس به عنوان یکی از دستگاہ‌های مهم و البته مهم‌ترین آن، نیازمند توجه به این اصول هستیم. ضمن این که در کنار اصول مزبور، طرح هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) می‌تواند نقشه راه مهمی برای مشخص شدن روابط متعامل پلیس و شهروندان در حوزه حقوق شهروندی تلقی شود و از نقض حقوق شهروندان جلوگیری نماید. علاوه بر این، تصویب مصوباتی در زمینه حقوق زنان، متهمان، محکومین و همچنین صیانت از حقوق شهروندان به خوبی نشان می‌دهد که پلیس در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با به کارگیری اصول مزبور، باعث حفظ و ارتقای حقوق شهروندی گردد. علاوه بر این، منشور حقوق شهروندی که در ۱۲۰ ماده در سال ۱۳۹۵ توسط رئیس جمهوری ابلاغ شده است، به خوبی می‌تواند زمینه‌ساز تحقق حقوق شهروندی توسط پلیس گردد. اصول بیان شده ناظر بر دو بعد سلبی و ایجابی رفتارهای پلیس است که می‌تواند تحت عنوان بایدها و نبایدها مطرح شود. بنابراین حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند توسط پلیس و با رعایت حفظ حریم خصوصی شهروندان و توجه به اصول و ضوابط کلی نظام جمهوری اسلامی ایران عملی شود. ضمن این که اصل مهم در این زمینه پیدا کردن ضمانت اجرایی برای اصول یاد شده در قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات مصوبه است تا از این طریق بتوان نقشه راه مطمئنی برای صیانت از حقوق شهروندان فراهم آورد.

منابع

- بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، عقل در سیاست، سی‌وپنج گفتار در فلسفه سیاسی، جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حبیب‌زاده و فرج‌پور اصل مرنندی، توکل و علی‌اصغر (۱۳۹۵)، کرامت انسانی و ابتدای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن، فصلنامه مطالعات حقوق - عمومی، شماره ۱، دوره ۴۶.
- حسینی، ابراهیم (۱۳۸۵)، نظام حقوقی اسلام، مجله معرفت، شماره ۱۰۶.
- رضایی و بالایی، مهدی و حمید (۱۳۹۵)، امنیت و حقوق شهروندی؛ تقدم یا تأخر، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره سی ام، بهار ۹۵.
- عبدالملکی و داوری، حجت‌الله و مرضیه (۱۳۸۸)، مطالعه تطبیقی نظام عادلانه اقتصادی در ساختار حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مجله برداشت دوم، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- علیدوستی، ناصر (۱۳۸۸)، پلیس و آموزش حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره دوم، شماره مسلسل ۴۴، تابستان ۸۸.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۸)، تأثیر رسانه بر رفتار انتخاباتی، نشریه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۵۷، ص ۱۷۴-۱۵۷.
- فیروزیان حاجی، ابراهیم (۱۳۹۷)، اصل برائت و حقوق شهروندی و ریشه‌های آن، پژوهش دینی، شماره ۳۶، بهار و تابستان ۹۷، صص ۱۸۳-۱۶۵.
- کرم‌زاده و عرفانی، اسماعیل و سهراب (۱۳۹۶)، الگوی تعامل پلیس و رسانه‌های ارتباط جمعی در پیشگیری از وقوع جرم و نقش آن در احساس امنیت، فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، صص ۱۰۷-۸۱.
- گای، ماری (۱۳۹۱)، شهروندی در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری، چاپ دوم، تهران: نشر فرزاد روز.
- نظیفی، عباس، جمشیدی‌ها، غلامرضا و عزیزآبادی فراهانی، عباس، حسین (۱۳۹۶)، بررسی راهکارهای توانمندسازی ضابطین در رعایت حقوق متهمین با رویکرد جرم‌شناسی، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دهم، شماره اول، بهار ۹۷، صص ۱۷۳-۱۹۵.

یادداشت‌ها:

- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۸)، فرمان هشت ماده‌ای، موارد یک تا هشت.
- منشور حقوق شهروندی، (۱۳۹۵)، آذرماه ۱۳۹۵.
- نظامنامه رفتار مأموران نیروی انتظامی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۹۴۹ میلادی.

